

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ
 أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
 الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا
 خُسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا
 لَنَ نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا ۖ فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا
 دُخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۖ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكَبُوا
 عَلَيْهِمَا ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا ۖ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾
 قَالُوا يَمُوسَى إِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا ۖ فَادْهَبْ
 أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي
 لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَآخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ
 الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُّحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً
 يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است به یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم قرار داد و چیزهایی [نعمت‌ها] به شما داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. ﴿۲۰﴾

ای قوم به زمین مقدس و پاک در آید؛ آن زمینی که خدا برای شما مقرر نموده است، و [از ترس ستمکاران] در پیکار با آنان به پشت خود رو برنگردانید و نگرینید که زیان کار می‌شوید ﴿۲۱﴾

گفتند: ای موسی در آن سرزمین گروهی زورمند و سلطه‌گر وجود دارند و ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آنکه ایشان از آنجا بیرون روند، پس اگر آنان از آن سرزمین بیرون روند ما وارد خواهیم شد. ﴿۲۲﴾

دو مرد از کسانی که از مخالفت با خدا بیمناک بودند و خدا هم به ایشان نعمت ارزانی داشته بود، به قوم موسی گفتند: بر مردم آن سرزمین از دروازه [بتازید] و وارد شوید، که اگر از آنجا وارد شوید قطعاً شما [بر آنان] غالب و چیره خواهید بود، و فقط بر خدا توکل و اعتماد نمایید اگر شما ایمان دارید. ﴿۲۳﴾

[بنی اسرائیل] گفتند: ای موسی ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آن‌گاه که آنان در آن هستند، پس تو با پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما در اینجا نشسته‌ایم. ﴿۲۴﴾

موسی گفت: پروردگارا من برای انجام دادن فرمان تو، جز اختیار خود و برادرم (هارون) را مالک و دارا نیستم، پس میان ما و این قوم نافرمان داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان. ﴿۲۵﴾

[خدا به موسی] فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از ورود به آن سرزمین محروم باشند آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرانشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمرّدپیشگان از اینکه کیفر الهی را می‌چشند اندوه مخور. ﴿۲۶﴾



درس نهم



وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ

دانستیم که مسئولیت ولایت و حکومت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا ﷺ را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. البته پس از رحلت رسول خدا ﷺ حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم (علیهم السلام) شد. این مسئله شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

اکنون می‌خواهیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ و چگونگی برخورد مسلمانان با امامان (علیهم السلام) را بررسی کنیم.

در آیه شریفه زیر بیندیشید و به سؤالات پاسخ دهید :

| | |
|-------------------------------------|--|
| و مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ | و محمد نیست، مگر رسولی |
| قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ | که پیش از او رسولان دیگری بودند. |
| أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ | پس اگر او بمیرد یا کشته شود، |
| إِنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ | آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی گردید؟ |
| وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ | و هر کس به گذشته بازگردد، |
| فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا | به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند |
| وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ | و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد. |

۱- خداوند چه هشداری به مردم زمان پیامبر می دهد؟

۲- آیا خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر دارد؟

۳- به نظر شما، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، چه کسانی هستند؟

خلاصه ای از رخداد های عصر ائمه علیهم السلام

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم علیهم السلام با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علی علیه السلام رسید و آن حضرت، در همین دوره کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی ترین نمونه حکومت را عرضه کرد.

اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه که جنگ صفین را علیه امیر المؤمنین علیه السلام به راه انداخت، در سال چهارم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن علیه السلام، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سلطنت تبدیل کرد.

معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد؛ شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی نداشت؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سخره می گرفت، آشکارا شراب می خورد، سگ بازی و میمون بازی می کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می شد و آنها را کنار دست خود می نشاند. همین شخص، نوۀ گرامی پیامبر، امام حسین علیه السلام و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

فیلم (۱): روزی که یزید در سوگ بوزینه اش نشست!

فعالیت کلاسی ۱

با همفکری دوستان خود بگویید چه عواملی باعث شد که بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نوۀ ایشان یعنی امام حسین علیه السلام این گونه توسط امت پیامبر به شهادت برسد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی شان در مبارزه با حکومت بنی امیه بیم می داد^۱ و می فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک ترند بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می رود شتابان فرمان او را می برند و شما در حق من بی اعتنایی و کندی می کنید. به خدا سوگند، این مطلب، قلب انسان را به درد می آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند، و شما در راه حق، این گونه متفرق و پراکنده اید».^۲ آن حضرت آینده سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی امیه بر تخت سلطنت بود، می دید و آنان را از چنین روزی بیم می داد:

«به خدا سوگند، بنی امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند... تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگریند: دسته ای برای دین خود که آن را از دست داده اند و دسته ای برای دنیای خود که به آن رسیده اند».^۳

پس از سقوط بنی امیه، حکومت به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی فروگذار نکردند، به گونه ای که اگر تحوّل معنوی و فرهنگی ایجاد

۱- برخی از این سخنرانی ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبة ۲۷. حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست.

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبة ۹۸.

شده در عصر پیامبر ﷺ و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار ﷺ - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.^۱

مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی پس از رسول خدا ﷺ

مهم ترین چالش های عصر ائمه ﷺ که نتیجه دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر و جانشین ایشان بود، عبارت بودند از :

۱- ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم ﷺ

مسلمانان برای سخنان رسول خدا ﷺ اهمیت خاصی قائل بودند؛ برخی از آنان سخنان آن حضرت را می نوشتند و پیامبر نیز به مسلمانان برای نوشتن سخنان خود توصیه کرده بود.^۲ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ، سفارش آن حضرت را نادیده گرفتند و نوشتن احادیث آن حضرت را ممنوع کردند. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه مند بودند، فقط می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت؛ از جمله اینکه :
الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دادند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

با اینکه سال ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر ﷺ برداشته شد و حدیث نویسی رواج یافت، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر ﷺ در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

نکته مهم : البته این اوضاع نابسامان حدیث، تا حدود زیادی برای پیروان ائمه ﷺ پیش نیامد؛ زیرا ائمه ﷺ احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان، این احادیث را از طریق این بزرگواران که انسان هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و موثق بود، به دست آوردند و به همین جهت، در نقل احادیث کمتر دچار اشتباه شدند.

۱- برای مطالعه بیشتر به کتاب های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت الله جعفر سبحانی و نقش ائمه در احیای دین علامه عسکری مراجعه کنید.

۲- تدریب الراوی، سیوطی، ج ۲، ص ۶۶.

اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری درباره علت ممنوعیت نگارش احادیث پیامبر ﷺ و زمان پایان یافتن این ممنوعیت کسب کنید، به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی‌امیه و بنی‌عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به نفع آنان بود و قدرت آنان را تقویت می‌کرد. برخی از دنیاطلبان، برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم ﷺ جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.

فیلم (۲): نمونه‌ای از یک تحریف



بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از احادیث جعلی

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه‌مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های با شکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی می‌آوردند.

به عنوان نمونه، روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک آجرها [ی خانه‌اش] هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند از

شدت خشم و بدون ترس از حاکم، فریاد برآورد :

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست تر از سخن تو نیست که می فرماید : آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده؟».^۱

همین کعب الاحبار، به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه نزد خداوند برتر است؛ مثلاً نقل می کرد : «محبوب ترین سرزمین ها در پهنه زمین، نزد خداوند، شام است و محبوب ترین نقطه شام، نزد خداوند، قدس می باشد».^۲

همچنین نقل می کرد که «خداوند نه دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است».^۳ چون او اصالتاً یهودی بود، می کوشید در روایاتی که جعل می کند، بیت المقدس را برتر از کعبه نشان دهد؛ مثلاً از پیامبر نقل می کرد : «کعبه هر روز صبحگاهان بر بیت المقدس سجده می کند».^۴

۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این ارزش ها بهره مند می شوند و اگر آنها به سوی زشتی ها بروند، بیشتر مردم دنباله روی آنان خواهند بود. در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود، انسان های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می گرفت، حاکمان وقت تلاش می کردند که شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

۱- سورة توبه، آیه ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۳۶.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ دمشق.

۴- همان، ص ۱۴۷.

۵- الدر المنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پیامبر خدا ﷺ حکومتش را بر پایه عدل بنا کرد و اعلام نمود که همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانشان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران‌قیمت انباشته کردند.

این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم ﷺ را به جامعه‌ای راحت طلب و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم‌السلام با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

فعالیت کلاسی ۲

به نظر شما آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم‌السلام چه فوایدی برای زندگی امروز ما دارد؟

بیشتر بدانیم

معاویه، پس از فتح شام در زمان خلیفه دوم، به فرمانروایی شام گماشته شد. و مردم شام اسلام را از او آموختند. او در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم ﷺ ۲۱ سال آن را به مبارزه با اسلام و دشمنی با پیامبر سپری کرد و در جنگ‌های متعدد علیه مسلمانان، به همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار، جزء فرماندهان جنگ بود. بعد از رسیدن به قدرت در شام، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه کاخ او به اندازه ارزش ۱۸ مرکب بار طلا بوده است. ابوذر که از یاران بزرگ پیامبر بود و به دمشق تبعید شده بود، به معاویه گفت: «اگر این کاخ را از مال خدا می‌سازی، خیانت کرده‌ای و اگر از مال خودت است، اسراف است».

ظرف‌های کاخ معاویه از طلا و نقره بود، لباس‌های حریر می‌پوشید و بر اسبی که زین آن طلاکاری شده بود، می‌نشست. خانواده‌اش نیز لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. در یکی از

سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب با رواندازهای ارغوانی‌رنگ در پیاپی روان بودند که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه نزد وی آمدند، به هریک از آنها ۱۰ تا ۱۰۰ دست از جامه‌های مخصوص خود را بخشید.

تاجی داشت که با گذشت هر سال از حکومتش، گوهری به آن می‌افزود. او همواره شراب می‌نوشید و شترهای ویژه‌ای برای حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی‌های او دعوت از زنان آوازه‌خوان و شنیدن آوازهای آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیرمؤمنان (علیه السلام) را شنید، بر تخت تکیه زده بود، با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشمم روشن شد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آماده کرد؟
- ۲- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه بود؟

پیشنهاد

با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی را که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.

الف) حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری
ب) تاریخ سیاسی ائمه (علیهم السلام)، جواد محدثی
ج) تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان
د) سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی
ه) پس از پنجاه سال، دکتر سیدجعفر شهیدی

۱- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ص ۱۶۰؛ مروج الذهب، ج ۳، صص ۱۵ و ۳۱ و ج ۱، صص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۲۵۸.

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

| نام کتاب | نویسنده | انتشارات | مخاطب |
|----------------|-----------------|-------------------------------|-----------------|
| انسان ۲۵۰ ساله | سیدعلی خامنه‌ای | مؤسسه ایمان جهادی | معلم/ دانش‌آموز |
| سیره پیشوایان | مهدی پیشوایی | مؤسسه امام صادق (علیه السلام) | معلم/ دانش‌آموز |
| تاریخ خلفا | رسول جعفریان | دلیل ما | معلم/ دانش‌آموز |

